


A Study of the lack of progress phenomenon in Sistan and Baluchistan province, from the perspective of economic culture

Bahman Porki

Master of Arts in Public Organizations Management: Economic-Financial field of study, Department of Public Administration, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.


porki1069@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Majid Mokhtarianpour

Assistant Professor of Public Administration Department, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author).

mokhtarianpour@ut.ac.ir

 0000-0001-6822-7955

Abstract

Based on the official statistics from the last census, the province of Sistan and Baluchistan has a lower rank than other provinces in lots of cases and even the lowest rank in indexes such as economic participation and literacy. The lack of progress in Sistan and Baluchistan" can be explored through different points of view, but one of the most prominent obstacles to progress in this province is its economic culture by which, despite having qualifications, it has remained unprogressed. This study aimed to identify economic cultural elements of Sistan and Baluchistan that have already brought a lack of progress. This research has been done, using the qualitative strategy of grounded theory (systematic approach) and its data collection method was semi-structured interviews that continued to get theoretical saturation. Based on the data analysis of 13 interviews, the core category of "ideal-less society" emerged. This category is affected by the causal conditions of "the sense of marginality; limited basic economic attitudes; constraints of the progress infrastructures; and lack of authentic economic guidance of the society" and strategies of "paying attention to immediate needs; lack of good economic management at the micro level; and swank behavior" are taken by actors of this province in response to this core category. These strategies are channelized by the contexts of "Failure to make proper use of the social capital of the province in the direction of progress and failure to make proper use of the value adherence of the society in the direction of progress" and the intervening conditions of "social arrogance and patriarchy" that lead to consequences of "feeling duality toward government and underground economy"

Keywords: Development, Lack of Progress, Culture, Economic Culture, Indigenous Development, Grounded Theory, Sistan and Baluchestan.

JEL Classification: A13, D63, I38, L38, Z13

واکاوی پدیده عدم پیشرفت استان سیستان و بلوچستان از منظر فرهنگ اقتصادی

بهمن پرکی

کارشناس ارشد مدیریت سازمان‌های دولتی، گرایش مالی - اقتصادی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

porki1069@gmail.com

id 0000-0000-0000-0000

مجید مختاریان پور

استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
mokhtarianpour@ut.ac.ir

id 0000-0001-6822-7955

چکیده

بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن، استان سیستان و بلوچستان از لحاظ شاخص‌های توسعه، در بسیاری موارد رتبه‌ای پایین‌تر از سایر استان‌ها داشته و در برخی موارد همچون شاخص مشارکت اقتصادی و شاخص باسوادی در رتبه آخر قرار دارد. پدیده عدم پیشرفت استان سیستان و بلوچستان را می‌توان از منظرهای مختلفی بررسی کرد، اما یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت این استان، فرهنگ اقتصادی آن است که باعث شده علی‌رغم وجود ظرفیت‌های فراوان، شاهد پیشرفت شایسته آن نباشیم. پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های فرهنگ اقتصادی استان سیستان و بلوچستان که منجر به عدم پیشرفت آن شده‌اند، انجام شده است. این پژوهش با استفاده از راهبرد کیفی نظریه داده‌بنیاد (رویکرد نظام‌مند) انجام گرفته که داده‌های آن از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته، تا دستیابی به اشباع نظری، گردآوری شدند. بر اساس تحلیل داده‌های حاصل از ۱۳ مصاحبه، مقوله‌محوری «جامعه بی‌آرمان» ظهور کرد که این مقوله تحت تأثیر شرایط علی «حس در حاشیه بودن؛ محدود بودن نگرش‌های پایه اقتصادی؛ محدودیت زیرساخت‌های پیشرفت؛ و عدم هدایت صحیح اقتصادی جامعه» شکل گرفته و راهبردهای «توجه به نیازهای آبی؛ عدم مدیریت صحیح اقتصادی در سطح خرد و رفتار متظاهرانه» در پاسخ به این مقوله‌محوری توسط کنش‌گران این استان اتخاذ می‌شوند. این راهبردها خود توسط بسترهای «عدم بهره‌گیری شایسته از سرمایه اجتماعی استان در جهت پیشرفت و عدم بهره‌گیری شایسته از پایبندی ارزشی جامعه در جهت پیشرفت» و شرایط مداخله‌گر «تکبر اجتماعی و مردسالاری» جهت‌دهی شده و منجر به پیامدهای «احساس دوگانگی نسبت به حاکمیت و اقتصاد زیرزمینی» می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: سیستان و بلوچستان، توسعه، عدم پیشرفت، فرهنگ، فرهنگ اقتصادی، توسعه بومی، نظریه داده‌بنیاد.

طبقه‌بندی JEL: A13, D63, I38, L38, Z13

شاپای الکترونیک: ۶۵۶۸-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی

CC BY 4.0



 10.22034/ES.2023.382259.1654

مقدمه و بیان مسئله

دستیابی به پیشرفت و توسعه از جمله دغدغه‌های ملت‌ها و جوامع گوناگون به‌ویژه طی هفتاد سال گذشته بوده است (نظرپور، ۱۳۸۹). در ایران نیز از سال ۱۳۲۸ برنامه‌های توسعه آغاز شده و تا سال ۱۳۵۶، پنج برنامه تدوین و به اجرا درآمد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نگرش به مسئله توسعه و پیشرفت همه‌جانبه نگاهی متفاوت نسبت به دوران پیشین یافت و یکی از دغدغه‌های مهم کارگزاران و مسئولان، توجه ویژه به برقراری عدالت اجتماعی بالاخص در مناطق محروم جامعه بوده تا این مناطق نیز همپای سایر مناطق در مسیر پیشرفت همه‌جانبه گام بردارند، اما امروز به‌رغم گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد آن هستیم که استان سیستان و بلوچستان از جهت شاخص‌های توسعه و پیشرفت در رتبه‌ای پایین‌تر از سایر استان‌ها قرار گرفته است. گواه این ادعا شاخص‌هایی است که درگاه ملی آمار پس از آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن ارائه داده است. استان سیستان و بلوچستان از نظر شاخص مشارکت اقتصادی با ۲۹,۹ درصد در رتبه آخر، از نظر شاخص باسوادی با ۷۱,۵۶ در رتبه آخر و از نظر شاخص نرخ بیکاری با ۱۱,۳ در رتبه‌های میانی قرار گرفته است (درگاه ملی آمار ایران، ۱۳۹۵). از نظر شاخص نرخ بیکاری در بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ با نرخ متوسط ۱۴,۱ درصد در رتبه ۲۸ در میان استان‌ها قرار گرفته است. از آنجاکه ماهیت این شاخص منفی بوده و هر چه مقدار عددی این شاخص افزایش یابد، شرایط استان نامطلوب‌تر است (معاونت اموراتصادی و برنامه‌ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۹). این شواهد نشان می‌دهد که استان سیستان و بلوچستان در دهه چهارم انقلاب که به تعبیر مقام معظم رهبری دهه پیشرفت و عدالت نامیده شده بود، نسبت به سایر استان‌ها از لحاظ شاخص‌های توسعه‌ای و پیشرفت وضعیت مطلوبی ندارد. مهم‌ترین عامل در پیشرفت هر جامعه، اعضای آن هستند و در واقع انسان در جایگاه عامل، محور و هدف توسعه، نقش مهم و حساسی در فرایند توسعه ایفا می‌کند. از آنجاکه انسان موجودی اندیشه‌ورز و مختار است، زمانی می‌تواند از عهده این نقش به‌خوبی برآید که فرهنگ و آرمان‌های متناسب با پیشرفت در نهاد وی پدید آید. از این‌رو شخصیت فرهنگی برآمده از فرهنگ جوامع می‌تواند یکی از اصلی‌ترین عامل‌های پیشرفت و توسعه آنها به‌شمار آید. در واقع عوامل

فراوان مادی و معنوی در تعاملی گسترده باهم، توسعه همه‌جانبه را شکل می‌دهند؛ بنابراین در واکاوی پیشرفت و توسعه هر جامعه، بایستی عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با مطالعه گسترده و عمیق تاریخی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بازشناسی شوند تا درک درست و همه‌جانبه‌ای از مسائل توسعه به‌دست آید (نظریور، ۱۳۸۹).

پدیده عدم پیشرفت استان سیستان و بلوچستان را می‌توان از منظرهای مختلفی مورد کاوش قرار داد، اما یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت این استان، فرهنگ اقتصادی حاکم در آن است که باعث شده علی‌رغم وجود ظرفیت‌های فراوان در استان سیستان و بلوچستان، شاهد پیشرفت شایسته این استان نباشیم. پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های فرهنگ اقتصادی استان سیستان و بلوچستان که در پدیده عدم پیشرفت این استان نقش‌آفرین بوده‌اند، انجام شده است؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که: پدیده عدم پیشرفت در استان سیستان و بلوچستان از منظر فرهنگ اقتصادی چگونه رخ داده و می‌دهد؟

از آنجاکه در پژوهش حاضر از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد با رویکرد نظام‌مند استفاده شده است، سؤال‌های فرعی پژوهش نیز بر اساس روش به‌کار گرفته شده تعریف شده‌اند:

۱- مقوله‌محوری عدم پیشرفت در استان سیستان و بلوچستان از منظر فرهنگ اقتصادی چیست؟

۲- علل عدم پیشرفت در استان سیستان و بلوچستان از منظر فرهنگ اقتصادی کدام‌اند؟

۳- شرایط مداخله‌گر عدم پیشرفت در استان سیستان و بلوچستان از منظر فرهنگ اقتصادی کدام‌اند؟

۴- بستر عدم پیشرفت در استان سیستان و بلوچستان از منظر فرهنگ اقتصادی چیست؟

۵- راهبردهای عدم پیشرفت در استان سیستان و بلوچستان از منظر فرهنگ اقتصادی کدام‌اند؟

۶- پیامدهای عدم پیشرفت در استان سیستان و بلوچستان از منظر فرهنگ اقتصادی کدام‌اند؟

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این بخش به مفاهیم توسعه، پیشرفت، فرهنگ و درنهایت فرهنگ اقتصادی می‌پردازیم. پس از مرور مبانی نظری، پژوهش‌های پیشین مرتبط با موضوع پژوهش بررسی می‌شوند.

۱-۱. توسعه

واژه توسعه که معادل لاتین آن Development است، به معنی بسط یافتن، ایجاد کردن، تکامل و پیشرفت است (صانعی و پروین، ۱۳۹۹). در بیش از هفت دهه‌ای که از مطرح شدن واژه توسعه به مفهوم جدید آن گذشته، این مفهوم دچار تغییر و تحولات فراوانی شده است. پس از طرح این واژه در ۲۰ ژانویه ۱۹۴۹ توسط هری ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا، در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، توسعه به رشد اقتصادی محدود بود. ولی در دهه هفتاد مفهوم دگرگونی نیز به رشد اقتصادی اضافه شده و توسعه را عبارت از «رشد به علاوه دگرگونی با هدف بهبود کیفیت زندگی مردم» دانستند (افشار، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۰). در دهه هشتاد، صاحب‌نظران اعلام کردند که توسعه بایستی به نیازهای ابتدایی انسان و حفظ کره زمین به صورت توأمان و بهم‌وابسته‌ای توجه نماید (Slim, 1995) و بدین ترتیب مفهوم توسعه پایدار طرح گردید. سرانجام نیز در دهه نود مفهوم توسعه انسانی مطرح شد که همچنان معتبر می‌باشد. برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) توسعه انسانی را این‌گونه تعریف می‌کند: «توسعه انسانی فرایندی است که در طی آن، گزینه‌های انتخاب مردم گسترش می‌یابد» (UNDP, 1990). در حال حاضر توسعه انسانی در قالب تعدادی از چهارچوب‌های مفهومی که دارای انگیزه‌های زیربنایی مشابهی بوده ولی نقاط تمرکز آنها متفاوت و ارزش‌گذاری‌های آنها نیز به طرق مختلفی صورت می‌گیرد، تکمیل می‌شود (Alkire, 2010, p. 2).

بر اساس آنچه گفته شد مفاهیم اولیه توسعه بیشتر ناظر بر جنبه‌های اقتصادی بود. هر چند با این تلقی درآمد ملی کشورها به صورت چشم‌گیری افزایش یافته بود، اما بخش عظیم جمعیت فقیر جوامع هیچ بهره‌ای از فواید آن نبرده بود (Rist, 2014, pp. 3-8). تعریف دوم از توسعه همچنان بر مبنای رشد اقتصادی تبیین می‌شد، اما این رشد با «کاهش نابرابری» و شعار «فقرزدایی» همراه بود و در نتیجه، توسعه با معیار بهبود شرایط اجتماعی سنجیده می‌شد (Ojo; Janowski & Awotwi, 2013, p. 37). در تعریف سوم، علاوه بر تأمین نیازهای اقتصادی، مؤلفه‌های سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفت (Johnson & Filippini, 2013, p. 98).

۲-۱. پیشرفت

پیشرفت در لغت به معنای پیش رفتن، ترقی، رشد و مانند آن به کار رفته است و در کاربرد عمومی به معنای حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است که دارای دو وجه فرایندی و برآیندی است. تعاریفی که از پیشرفت ارائه شده هر دو وجه را شامل می‌شود (یوسف‌زاده، ۱۳۹۸). پیشرفت مقوله‌ای جذاب موافق با خواست ذاتی بشر و توجیه‌کننده تلاش‌های مستمر انسان‌ها در طول قرون و اعصار است. هر گونه تلاش علمی و فناورانه و هر تلاش فردی و اجتماعی انسان‌ها در سایه میل به پیشرفت و توسعه و کنارزدن موانع پیش‌روی بشر در یکی از ساحت‌های رفع رنج و درد یا کسب لذت و بهره بیشتر بوده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۷). پیشرفت امروز بشر از آغاز تا مرحله کنونی از گام‌های برنامه‌ریزی شده گذشته و ادامه پیدا کرده است. به‌طور کلی وضعیت امروز بشر نتیجه روند تدریجی و تکاملی در نظام برنامه‌ریزی گذشتگان می‌باشد و ترقی و تکامل آینده او نیز بستگی به طرح برنامه مشخص و پویا دارد. بدین ترتیب برنامه‌ریزی همواره، همگام با زندگی بشری بوده و موجبات تکامل حیات انسان را فراهم ساخته است (یاوری و عزیزی، ۱۳۹۹). براین اساس، منظور از پیشرفت، تحول در حال تکامل است که در طی آن تمامی استعدادهای فردی و جمعی آحاد جامعه شکوفا می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت: «پیشرفت عبارت است از حرکت یک جامعه با اراده و آگاهی مردم آن، از وضعیت موجود به سوی وضعیتی بهتر که رسیدن به آن وضعیت از اهداف و آمال آن مردم است» و در این سیر تکاملی، رعایت عدالت شرط ضروریست تا این حرکت اجتماعی بتواند موفقیت‌آمیز بوده، از سرعت معقولی برخوردار باشد و استمرار یابد (جعفرپور و افجه‌ای، ۱۳۹۱).

۳-۱. فرهنگ

فرهنگ به‌طور عام با رویکردهای مختلفی تعریف شده است که برخی از این تعاریف مفهوم عام و برخی دیگر مفهوم خاص از این واژه را به‌دست می‌دهند. در یکی از قدیمی‌ترین تعاریفی که از فرهنگ ارائه شده، تایلور (۱۸۷۱) فرهنگ را «کلیت پیچیده‌ای شامل دانش، عقاید، هنر، اخلاقیات، قانون، آداب و رسوم، و بسیاری قابلیت‌ها و عادات دیگر که به‌وسیله انسان، به‌عنوان عضوی از جامعه کسب می‌شوند» تعریف کرده است. (Tylor, 2010, p. 1). در تعریفی دیگر فرهنگ به‌معنای «تمام ارزش‌ها، باورها، آرمان‌ها، آداب و رسوم و الگوهای ملت که بتواند در روابط روزمره

به کار رود» مطرح شده است. فرهنگ ویژگی منحصر به فرد انسان است که مایه تمایز وی از غیرانسان می شود (نظر پور، ۱۳۸۹).

ادگار شاین در مطالعات خود فرهنگ را در سه سطح زیر تحلیل می کند: سطح اول. مصنوعات: قابل مشاهده سطح مصنوعات و دست ساخته ای فیزیکی و محیط اجتماعی است که شامل فضای فیزیکی، وسایل و فناوری خروجی، زبان نوشتاری و گفتاری و رفتار آشکار اعضای گروه است.

سطح دوم. ارزش ها: آموخته های فرهنگی از ارزش های اساسی نشئت می گیرد، راه حل هایی درباره اینکه چگونه باید با وظایف، مباحث و مسائل جدید که بر روی اعتقاد واقعی بنانهاده شده برخورد کرد. ارزش ها و اعتقادات اگر توسط اعضای گروه تصدیق شوند در عمل و رفتار بخشی از یک باور می شوند.

سطح سوم. مفروض های اساسی: یک راه حل برای یک مسئله وقتی مکرراً به کار رود آن مسلم پنداشته می شود. آنها مفروض های ضمنی هستند که به شکل واقعی رفتار را هدایت کرده و تعیین می کنند که اعضای گروه در مورد مسائل چگونه درک، تفکر و احساس داشته باشند (Schein, 2017, pp. 17-28).

۱-۴. فرهنگ اقتصادی

در عملکرد درست اقتصادی یک کشور، انگیزه ها و محرک های غیرمادی بسیار مهم و حتی حیاتی هستند و در واقع فرهنگ اقتصادی درست نیز در کنار محرک های مادی، تغذیه کننده عملکرد درست اقتصادی است (Olczyk, 2019). فرهنگ اقتصادی شامل مجموعه باورها، نگرش ها و ارزش هایی است که با فعالیت اقتصادی جامعه مرتبط هستند. بدین ترتیب ظرفیت های سرمایه انسانی و اجتماعی نیز به آن میزان که به فعالیت های اقتصادی مرتبط می شوند، جزئی از فرهنگ اقتصادی محسوب می شوند (Guzal-Dec & Zbucki, 2021). فرهنگ اقتصادی هم متأثر از فرهنگ مادی جامعه است که به ایجاد شرایط مناسب زندگی و رفع نیازهای جامعه از طریق اقتصاد اشاره دارد؛ و هم متأثر از فرهنگ غیرمادی جامعه که شامل نظام الزام های ذهنی، ارزش های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی می شود که به نوبه خود پارادایم فکری جامعه و همچنین سطح و نوع فرهنگ اقتصادی را تعیین می کنند. فرهنگ اقتصادی، ارزش های اقتصادی جامعه را که بر نحوه زندگی اقتصادی و الگوهای رفتار اقتصادی آن تأثیر می گذارد، ایجاد می نماید (Lepak & Kulish, 2021).

این فرهنگ معطوف به تأمین رفاه جامعه و منش های انطباق پذیری و ارتباط با

محیط فیزیکی پیرامون است. از این حیث اقتصاد و رفاه که غالباً با نیازهای زیستی و حوائج فردی شناخته می‌شود. تحت تأثیر ترکیب خاصی از عقلانیت‌های راهبردها یا فنی (سودآوری و تولید)، سیاسی (منافع طبیعی و حفظ منزلت) و اخلاقی (ارزش‌گرایی و مطلوب‌خواهی) تأمین می‌شود. از این منظر، هدف اقتصاد دیگر تنها کسب سود و افزایش منفعت فردی و گروهی کنش‌گران دیگر در صحنه اقتصادی نیست بلکه اهداف والاتر دیگری نظیر اخلاقی و انسانی کردن روابط اقتصادی و حاکمیت فرهنگ در استخدام محیط برای رفع نیازهای فردی را نیز دربرمی‌گیرد (غیائی؛ برزویی و رجبی، ۱۳۹۷). همان‌طور که رفتارهای پایدار انسانی، متأثر از فرهنگ آنهاست و فعالیت‌های اقتصادی انسان‌ها از جمله رفتارهای اقتصادی انسان‌هاست و رفتارهای اقتصادی جزئی از مجموعه رفتارهای انسان است و نظام اقتصادی و رفتارهای پایدار اقتصادی، ناشی از فرهنگ آنهاست. آنگاه که فرهنگ و یا بخشی از فرهنگ به‌عنوان مولد رفتارها و نظام زندگی اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و متمایز می‌شود «فرهنگ اقتصادی» مورد توجه قرار گرفته است (رفیعی آتانی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷)

۱-۵. مرور پژوهش‌های پیشین

ایزانلو (۱۴۰۰) در پژوهش خود به دنبال پاسخ به این پرسش بود که تحقق هم‌زمان اهداف اقتصاد مقاومتی یعنی رشد پویا، عدالت، مقاومت اقتصادی و معنویت نیازمند چه الگوی فرهنگ اقتصادی است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که فرهنگ اقتصادی جهادی تنها الگویی است که می‌تواند زمینه تحقق هم‌زمان اهداف اقتصاد مقاومتی را فراهم کند و مؤلفه‌های بینشی فرهنگ اقتصادی جهادی یعنی «باور عمومی به تعلق هستی به خداوند، امانت بودن اموال، رزاقیت خداوند، نظام پاداش و جزای دنیوی و اخروی و توکل به خداوند همراه مبارزه با دشمن درونی و بیرونی» باعث نهادینه شدن مؤلفه‌های گرایشی فرهنگ اقتصادی جهادی، همچون «انجام فعالیت اقتصادی در راه خدا و برای خدا، اولویت منافع عمومی بر منافع فردی، عدم پذیرش سلطه، سخت‌کوشی در طلب روزی حلال و طیب، مصرف در سطح کفاف با اولویت مصرف تولیدهای داخلی و انفاق در راه خدا با اولویت توانمندسازی محرومان» می‌شود. همچنین این پژوهش با مطالعه موردی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران از منظر فرهنگ‌سازی فرهنگ اقتصادی جهادی به این نتیجه رسید که این برنامه در این زمینه با مشکلاتی مانند غلبه اقتصاد فرهنگ، فقدان

متولی برای تحقق فرهنگ اقتصادی جهادی و عدم توجه به نقش راهبردهای فرهنگ‌ساز در فرهنگ‌سازی فرهنگ اقتصادی جهادی روبه‌رو بوده است.

مهدیان (۱۴۰۰) در پژوهش خود فرهنگ‌آفرینی قرآنی در جهت مقابله با فقر در جامعه اسلامی را در دو بخش دستورهای ایجابی و سلبی تبیین کرده است. در بخش ایجابی سفارش قرآن به کار، انفاق و زکات بوده و در بخش سلبی، تحریم مواردی همچون احتکار، قمار و اسراف از جمله دستورهای قرآن در راستای مبارزه با فقر هستند.

خیری‌دوست لنگرودی (۱۳۹۸) در رساله دکتری خود به دنبال پاسخ به این پرسش بود که آیا سیاست‌های اقتصادی کشور ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی توانسته است به اهداف و ایدئال‌های ارزشی مستتر در قوانین بالادستی نزدیک شود یا خیر؟ محقق در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی در چهارچوب نظری اقتصاد نهادی جدید و آموزه‌های اسلام با تأکید بر دیدگاه شهید مطهری استفاده کرده است. یافته‌های پژوهش نشان داد یکی از دلایل وجود شکاف میان اهداف و ارزش‌های قوانین بالادستی و ارزش‌های جامعه، همسو نبودن سیاست‌های اقتصادی با اهداف ارزشی قانون اساسی است. این عدم همسویی موجب شکست سیاست‌های اقتصادی نیز شده است. همچنین تحول اقتصادی نیازمند تحول قوانین حقوق مالکیت بر اساس نیازهای جامعه با محوریت اسلام و ارزش‌های قانون اساسی به‌عنوان ارزش‌های متعالی ایران و تدوین برنامه‌های توسعه و سیاست‌های اقتصادی با محوریت دستیابی به این اهداف است. در این صورت و در نتیجه تحولات ایجادشده در اثر تغییر قوانین، مؤلفه‌های فرهنگی اسلامی و جهان‌شمول نیز در جامعه شکل خواهد گرفت.

ابوترابی زارچی (۱۳۹۷) در رساله دکتری خود به دنبال تبیین فرهنگ اقتصادی مردم ایران و عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مرتبط با آن بوده است. این پژوهش با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته و دیگران‌ساخته انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد متغیرهای میزان جامعه‌پذیری اقتصادی از طریق نظام آموزشی، میزان جامعه‌پذیری اقتصادی از طریق خانواده، میزان جامعه‌پذیری اقتصادی از طریق دوستان، میزان جامعه‌پذیری اقتصادی از طریق رسانه‌های جمعی، میزان دینداری، میزان جهت‌گیری سیاسی مردم سالارانه / اقتدارگرا و سن با میزان فرهنگ اقتصادی دارای رابطه مثبت معنادار است. همچنین نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره نشان داد که متغیرهای میزان دینداری، میزان

سن، ميزان جامعه پذيري اقتصادي از طريق خانواده، ميزان جهت گيري سياسي مردم سالارانه / اقتدارگرا به ترتيب وارد معادله رگرسيون شدند و در مجموع توانستند ۲۳،۵ درصد از واريانس متغير ميزان فرهنگ اقتصادي را تبیین نمایند.

قرباني زيکساري (۱۳۹۷) در پژوهشي با عنوان «فرهنگ فقر و وضعيت اقتصادي و اجتماعي اهالي دهستان طاهر گوراب» در پي پاسخ به اين سؤال بوده که چه الگوهائي با توجه به مؤلفه هاي فرهنگ فقر مي تواند بر روستاييان طاهر گوراب استان گيلان حاکم باشند و آيا ارتباطي بين توزيع طبقاتي ساکنين روستا با توجه به وضعيت اقتصادي و اجتماعي شان و فرهنگ فقر وجود دارد؟ اين پژوهش که با روش کمي و با ابزار پرسشنامه انجام شده است به اين نتيجه رسيده که در حدود ۷۵ درصد از روستاييان فرهنگ فقر وجود دارد و در مقابل، ۷۰ درصد از روستاييان از وضعيت اقتصادي - اجتماعي خوبي برخوردارند. همچنين محقق با استفاده از آزمون هاي همبستگي و t و f ، به اين نتيجه رسيده که بين فرهنگ فقر و وضعيت اقتصادي - اجتماعي روستاييان رابطه معناداري وجود دارد، يعني به نوعي فرهنگ فقر باعث وخيم تر شدن وضعيت اقتصادي اجتماعي روستاييان مي شود. همچنين بين تمام مؤلفه هاي فرهنگ فقر و وضعيت اقتصادي - اجتماعي رابطه معناداري وجود دارد.

کریمی مهرآبادی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به دنبال دستيابي به الگوي مطلوب فرهنگ اقتصادي در قرآن کریم بوده است. براي دستيابي به اين هدف محقق در مرحله اول، با تمرکز و با تکیه بر روش تفسير موضوعي و آموزه روش شناختي «استنطاق» به استخراج و احصاء آيات با استفاده از روش تفسير موضوعي پرداخته و در مرحله دوم با استفاده از روش تحليل مضمون، به بررسي و تحليل آيات و رابطه و نظم ميان آنها پرداخته است. در نهايت پژوهش الگوي مطلوب فرهنگ اقتصادي در قرآن کریم را در ذيل دو مضمون فراگير «قواعد عام در حوزه فرهنگ اقتصادي» و «قواعد خاص در حوزه فرهنگ اقتصادي» تعريف نموده است.

دانشي (۱۳۸۹) با بيان اين موضوع که فرهنگ، پايه رفتارهاي انساني به شمار مي رود، بخش وسيعي از رفتارهاي اقتصادي نيز بر اين بنیان استوار است و توسعه اقتصادي که مستلزم انجام رفتارهاي خاص و ويژه در زمينه هاي مخالف انساني است و به فرهنگ و باورهاي فرهنگي وابستگي بسيار زيادي دارد، به دنبال بررسي باورهاي فرهنگي مؤثر بر توسعه اقتصادي بوده است. پژوهشگر براي جمع آوري داده ها از پرسشنامه و روش پيمائشي بهره گرفته است و براي تجزيه تحليل داده ها از

روش‌های آماری استفاده کرده است. نویسنده در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که مؤلفه‌های فرهنگی مورد بررسی از دیدگاه صاحب‌نظران در تحقق توسعه نقش به‌سزایی دارند. علاوه‌براین با بررسی این فرضیه که نقش عوامل فرهنگی بر توسعه اقتصادی برابر متوسط است، آن را رد کرده و نتیجه‌گیری کرده که تأثیر فرهنگ بر دستیابی به توسعه اقتصادی بیشتر از متوسط هست.

قمری (۱۳۷۹) در پژوهشی به‌دنبال بررسی تأثیر تحولات فرهنگی بر توسعه اقتصادی در ایران بوده است. این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است درصدد رد یا اثبات این فرضیه است که اولاً، توسعه متأثر از ارزش‌ها و فرهنگ است و ثانیاً، برای نیل به توسعه اقتصادی انجام یکسری تحولات فرهنگی زمینه‌ساز توسعه اقتصادی، ضروری است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که تحول فرهنگی به‌عنوان اولین محور تحولات در جوامع پیشرفته چند قرن به طول انجامید، اما این بدین معنا نیست که کشورهای درحال توسعه باید با طی چند سده منتظر تحولات فرهنگی باشند بلکه باید با ابزارهای گوناگون، از جمله سیاست‌های تبلیغاتی مؤثر و نظام آموزشی کارآمد و ایجاد نهادهای توانمند، این تحول را سریع‌تر به انجام رسانند. ایران برای رسیدن به آستانه توسعه‌یافتگی، هنوز راه زیادی در پیش‌رو دارد. بعضی از دانشمندان توسعه، این‌کندی حرکت را ناشی از وجود موانع فرهنگی می‌دانند. برای توسعه اقتصادی لازم است که فرهنگ سنتی جامعه ایران متحول شود و این تحول باید در متن حفظ هویت مستقل فرهنگی کشور صورت گیرد.

حیدری (۱۳۷۹) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «ضعف فرهنگ اقتصادی و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌نیافته (با تأکید بر ایران)» با استفاده از شیوه تحلیل تاریخی با استناد به مدارک و دیدگاه‌های اندیشمندان به‌دنبال پاسخ به این پرسش‌ها بود که آیا فرهنگ اقتصادی حاکم بر کشورهای توسعه‌نیافته برای توسعه اقتصادی این‌گونه کشورها مناسب است؛ به‌عبارت‌دیگر برای تحقق توسعه اقتصادی چه ویژگی‌های فرهنگی خاصی لازم است؟ چرا صنعت کاپیتالیستی (سرمایه‌داری) در بسیاری از کشورها رشد یافته اما در ایران نتوانسته است رشد پیدا کند؟ چرا اقتصاد ایران را یک اقتصاد توسعه‌نیافته می‌پنداریم؟

نتایج این پژوهش را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

الف) توسعه اقتصادی مشکل همه ما ایرانیان است، بدون تحقق توسعه اقتصادی و حل مشکلات جاری و روزمره کشور، سردرگمی، احساس نگرانی نسبت به آینده، وابستگی به خارج و ... مقذور نیست.

ب) تحقق توسعه اقتصادی در گروهی تدوین و به کارگیری مجموعه‌ای از راهبردهای مناسب در حوزه‌های پنج‌گانه فرهنگ، آموزش تخصصی، انباشت سرمایه، نظام اقتصادی مناسب و حفظ ثبات و امنیت نظام است.

ج) در زمینه تحول مناسب فرهنگی، حداقل باید سه راهبرد اصلی در این زمینه را با جدیت پیگیری کرد و منابع انسانی و فرهنگی لازم برای تحقق حرکت در این مسیرها را تأمین نمود: تخصیص منابع کافی به جنبه‌های پرورشی به‌ویژه در مدارس ابتدایی و راهنمایی، تأمین نیازهای اساسی زندگی و حیات اکثریت آحاد جامعه و الگوسازی فرهنگی مناسب.

د) همگان، به‌ویژه آنان که از موهبت مادی و فرهنگی بهتر و موقعیت سیاسی بالاتری برخوردارند باید پذیرای مسئولیت آماده‌سازی زمینه‌های این تحول فرهنگی باشند. در خاتمه، مدل توسعه اقتصادی یک کشور نمی‌تواند وارداتی، تقلیدی و یا تحمیلی باشد بلکه این مدل در داخل یک کشور باید ساخته شود و بر تن آن جامعه رود.

کاستیس (۲۰۲۱) در پژوهش خود به دنبال بررسی آثار فرهنگ بر نوآوری (بر اساس درخواست‌های ثبت اختراع، هزینه‌های تحقیق و توسعه، تعداد یا محققان به ازای هر ۱۰۰۰ نفر و تعداد محققین دولتی) و توسعه اقتصادی بوده و بدین‌منظور با بهره‌گیری از داده‌های آرشویی به تحلیل مقطعی و سری زمانی استفاده کرده است. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل کمی داده‌های مربوط به ۱۸ کشور اتحادیه اروپا در بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۸ نشان داده که: الف) فرهنگ تأثیر معناداری بر نوآوری و توسعه اقتصاد دارد و همچنین؛ ب) سه بُعد فرهنگی «رواج سلسله‌مراتب، استقلال عاطفی و تسلط» مانع نوآوری و توسعه اقتصادی می‌شوند و درمقابل سه بُعد فرهنگی «درهم‌تنیدگی، مساوات و هماهنگی» به‌عنوان پیشران نوآوری و توسعه اقتصادی عمل می‌کنند.

کوادا (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «فرهنگ و توسعه اقتصادی در آفریقا — فرصت‌ها و چالش‌ها» که بر روی کشورهای جنوب صحرای آفریقا انجام داده است به این نتیجه رسیده که ویژگی‌های رفتاری تجویز شده از نظر فرهنگی در کشورهای جنوب صحرای آفریقا نظیر «انتظارات بالای خانواده و فشار برای توزیع مجدد منابع حتی قبل از تولید، روابط و شبکه‌های غیرخویشاوندی ضعیف و بروز بالای بی‌اعتمادی نهادی، بین شرکتی و شخصی» در اقتصادهای این منطقه مسلط بوده و ترکیب این عوامل هزینه کلی ایجاد و مدیریت کسب‌وکارهای جدید را افزایش

می‌دهد و بنابراین توسعه کلی اقتصادی در آفریقا را محدود می‌کند. محقق در ادامه بیان می‌دارد که اکنون تغییرهای فرهنگی پیشران توسعه در کشورهای جنوب صحرای آفریقا در حال وقوع است و تفسیرهای جدیدی از هنجارها یا قوانین اخلاقی پیشین بدون از دست دادن هویت اصلی جامعه و دگرگونی ریشه‌ای ارزش‌های اصلی می‌تواند منجر به توسعه کشورهای این منطقه شود.

چو و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به‌دنبال پاسخ به این پرسش بوده‌اند که تفاوت‌های فرهنگی در ترجیح‌های افراد، چگونه بر توسعه اقتصادی تأثیر می‌گذارد؟ این مطالعه یک مدل رشد ساده تدوین نموده که دارای دو مرحله توسعه است. بر اساس این مدل رشد اقتصادی در مرحله اول توسعه، توسط انباشت سرمایه انسانی و در مرحله دوم، توسط نوآوری هدایت می‌شود. بر اساس نتایج این پژوهش که با روش کمی و مدلسازی ریاضی انجام شده است، تأثیر دو ترجیح فرهنگی «تن‌آسایی» و «تحصیلات» بر رشد اقتصادی و انتقال از مرحله اول به مرحله دوم توسعه بررسی شده‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش در فرهنگ‌هایی که یک ترجیح بسیار ضعیف یا بسیار قوی تحصیلات از طرف والدین یا یک ترجیح قوی برای تن‌آسایی وجود داشته باشد، اقتصاد در یک تله درآمد متوسط با سطح تولید ثابت گیر می‌کند و تنها زمانی که یک جامعه برای سخت‌کوشی ارزش قائل شود و تأکید منطقی (نه بسیار بالا و نه بسیار پایین) بر تحصیلات داشته باشد، آن جامعه به رشد اقتصادی در بلندمدت دست خواهد یافت.

کوپلاس^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی رابطه بین تنوع مذهبی، دوقطبی مذهبی و درآمد سرانه در ایالات متحده از سال ۱۹۲۹ تا ۲۰۰۰ را با استفاده از یک آزمون علیت بلندمدت در سطح ایالتی بررسی کرده است. این پژوهش به این یافته رسیده که درحالی‌که تنوع مذهبی و درآمد، تأثیر مثبت متقابلی بر یکدیگر دارند، دوقطبی شدن مذهبی و درآمد بر یکدیگر تأثیر منفی متقابل می‌گذارند.

فلنر^۲ (۲۰۰۸) در پژوهشی به‌دنبال نشان دادن نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی چین و آمریکای لاتین است. نویسنده به دلیل اینکه این دو کشور از کشورهای جهان سوم هستند، آنها را انتخاب کرده است و به‌دنبال آن بوده است تا نشان دهد فرهنگ و شبکه‌های تجاری غیررسمی چین از دلایل پیشی گرفتن چین از آمریکای لاتین است. در ادامه نویسنده به این می‌پردازد که تعریف از روابط فرهنگی با جامعه

1. Copelas

2. Fellner

اقتصادی در هر دو منطقه چیست و به دنبال آن است تا توضیح دهد که آیا تفاوت بین اعتماد هر جامعه وجود دارد و سپس با کمک متغیرهایی چون کار، سرمایه‌گذاری مستقیم فدرال و سرمایه‌گذاری کسب‌وکار، رویکردهای مختلفی را که هر منطقه برای جذب سرمایه‌گذاری استفاده می‌کند را ارائه داده و توضیح می‌دهد که شبکه‌های غیررسمی برای نیروی کار و تأمین مالی کسب‌وکار در هر منطقه مفید است. در پایان این نیز اشاره دارد که برای هر منطقه‌ای، جذب سرمایه‌گذاری خارجی منحصر به فرد است و تأثیر فرهنگ بر توسعه اقتصادی هر منطقه مهم است و آنچه در این پژوهش اهمیت یافته دارد اعتماد به جامعه و شبکه‌های تجاری غیررسمی در اقتصاد چین است.

۲. روش پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد انجام شده است. نظریه داده‌بنیاد، روشی پژوهشی در علوم اجتماعی است که توسط دو جامعه‌شناس آمریکایی، بارنی گلیزر و آنسلم اشتراوس در سال ۱۹۶۷ در کتابی تحت عنوان کشف نظریه داده‌بنیاد ارائه شد. این راهبرد عموماً به‌عنوان بهترین نمونه رویکرد استقرایی به‌شمار می‌رود (Saunders; Lewis & Thornhill, 2019, p. 149). نظریه داده‌بنیاد یکی از راهبردهای پژوهش محسوب می‌شود که از طریق آن نظریه بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها شکل می‌گیرد. یعنی روند شکل‌گیری نظریه در این راهبرد حرکت از جزء به کل است (دانایی‌فرد؛ الوانی و آذر، ۱۳۹۶). در این روش به‌جای مراجعه به منابع کتابخانه‌ای جهت فهم یک پدیده داده‌ها از افرادی که در آن پدیده تجربه زیسته دارند، گردآوری می‌شود (Creswell, 2018, p. 82). در تعریفی دیگر نظریه داده‌بنیاد را یک روش استقرایی رفت‌وبرگشتی، تعاملی و مقایسه‌ای برای ایجاد یک نظریه می‌داند. یعنی نظریه داده‌بنیاد بین گردآوری داده‌ها و مفهوم‌سازی در حال رفت‌وبرگشت و اصلاح است (Lapan; Quartaroli & Riemer, 2011, p. 41).

روش نظریه داده‌بنیاد دارای رویکردهای مختلفی می‌باشد که در این پژوهش از رویکرد نظام‌مند^۱ که توسط آنسلم اشتراوس ارائه گردیده استفاده شده است. رویکرد نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد در سه مرحله کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ و

1. Sysyematic Approach
2. Open Coding
3. Axial Coding

کدگذاری انتخابی^۱ انجام می‌شود (Davies; Lund & Schneider, 2022; Stamp; Pedersen; Ingwersen & Sørensen, 2018).

- کدگذاری باز: در این پژوهش پس از انجام هر مصاحبه و پیاده‌سازی آن، در مرحله کدگذاری باز با مطالعه متن مصاحبه، جملات و عباراتی که به نحوی به سؤال‌های پژوهش پاسخ می‌دادند انتخاب و بر روی آنها کدی که محتوای آن جمله یا عبارت را منعکس می‌کرد درج می‌شد. پس از شکل‌گیری کدها^۲، هر مجموعه از این کدها بر اساس شباهت‌های مفهومی بینشان، در درون سبدهای مفهومی مشترکی جای داده شده و مفاهیم^۳ را شکل می‌دادند. سرانجام نیز مفاهیم شکل گرفته نیز در درون طبقات بزرگ‌تری طبقه‌بندی شده و مقوله‌ها^۴ را به‌وجود می‌آوردند. این گام‌ها در مورد تمام مصاحبه‌ها صورت گرفته، انجام شده و بدین ترتیب رفته‌رفته مجموعه کدها، مفاهیم و مقوله‌ها کثرت و غنای بیشتری یافته‌اند.

- کدگذاری محوری: در این مرحله مقوله‌محوری از بین مقوله‌های تولید شده انتخاب و بقیه مقوله‌های حول آن سازمان‌دهی شدند. این مرحله در رویکرد نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد از طریق به‌کارگیری الگویی تحت عنوان مدل پارادایم^۵ صورت می‌گیرد که شامل شش عنصر شرایط علی، مقوله‌محوری، راهبردها، بستر، شرایط مداخله‌گر و پیامدها می‌شود (شکل ۱).

- کدگذاری انتخابی: سرانجام در مرحله کدگذاری انتخابی پدیده مورد مطالعه بر اساس مدل پارادایم و حول مقوله‌محوری در قالب روایتی متنی تشریح می‌گردد. از آنجاکه روش اصلی گردآوری داده‌ها در نظریه داده‌بنیاد مصاحبه می‌باشد، در این پژوهش نیز از روش مصاحبه نیمه‌ساخت یافته استفاده شده است. همچنین مشارکت‌کنندگان در این پژوهش نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری (نظریه‌بنیان) که روش ویژه نمونه‌گیری در نظریه داده‌بنیاد است (Holloway & Wheeler, 2010, p. 177) انتخاب شده‌اند.

در انتخاب مصاحبه‌شوندگان نیز معیارهای زیر لحاظ شده است:

- تجربه زیسته در استان سیستان و بلوچستان؛
- سابقه علمی در زمینه علوم اجتماعی و اقتصادی؛

1. Selective Coding
2. Codes
3. Concepts
4. Categories
5. Paradigm Model

ردیف	مقوله‌ها	۱م	۲م	۳م	۴م	۵م	۶م	۷م	۸م	۹م	۱۰م	۱۱م	۱۲م	۱۳م
۱۲	تکبر اجتماعی								*					*
۱۳	مردسالاری			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۴	عدم هدایت صحیح اقتصادی جامعه						*	*	*	*	*	*	*	*
	مجموع مقوله‌های جدید در هر مصاحبه	۴	۴	۲	۲	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰

سرانجام آنکه به‌منظور تضمین کیفیت این پژوهش نیز از معیار اعتماد‌پذیری^۱ که شامل چهار زیرمعیار باورپذیری^۲، اطمینان‌پذیری^۳، انتقال‌پذیری^۴، تأیید‌پذیری^۵ است (Lemon & Hayes, 2020) استفاده شده است:

– **باورپذیری:** باورپذیری این پژوهش با استفاده از روش باورپذیری درونی تأمین شده است، بدین‌صورت که کدهای مشخص‌شده اولیه بر روی متن مصاحبه‌ها به هفت نفر از مصاحبه‌شوندگان ارائه شد و اصلاحات ایشان بر روی کدگذاری‌ها انجام پذیرفت.

– **اطمینان‌پذیری:** اطمینان‌پذیری این پژوهش با استفاده از روش ممیزی اطمینان‌پذیری تأمین‌شده که طی آن داده‌ها، روش‌ها و تصمیم‌های اتخاذ‌شده در پژوهش با هدف امکان‌پذیری بازبینی و موشکافی پژوهش توسط دیگر پژوهشگران ارائه شده است.

– **انتقال‌پذیری:** روش استفاده‌شده در این پژوهش برای تأمین انتقال‌پذیری از روش «تشریح بستر (زمینه) پژوهش» استفاده شده است.

– **تأیید‌پذیری:** تأیید‌پذیری این پژوهش با استفاده از روش مثال‌آوری تأمین‌شده است. بدین‌ترتیب که در تشریح مقوله‌ها از بخش‌هایی از جملات مصاحبه‌شوندگان به‌عنوان شاهدمثال استفاده شده است.

۳. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با انجام ۱۳ مصاحبه و تحلیل آنها مجموعاً ۱۲۵ کد، ۳۵ مفهوم و ۱۴ مقوله در مرحله کدگذاری باز به‌دست آمد. طبق تحلیل‌های صورت‌گرفته، از بین مقوله‌های شکل‌گرفته، مقوله «جامعه‌بی‌آرمان» به‌عنوان مقوله‌محوری تشخیص

1. Trustworthiness
 2. Credibility
 3. Dependability
 4. Transferability
 5. Confirmability

داده شد و بقیه مقوله‌ها در مدل پارادایم حول این مقوله انتظام یافتند (شکل ۱). در ادامه به تحلیل مدل پارادایم و مقوله‌های آن می‌پردازیم.

۳-۱. مقوله محوری: جامعه بی‌آرمان

تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته نشان داد که جامعه پژوهش به دنبال حداقل شرایط زندگی یعنی تأمین معیشت، امید به نهادهای حمایتی و دست کشیدن از آرزوهایی برای آینده هستند:

«در استان ما افراد از خیلی از نیازها و خواسته‌های خود صرف نظر می‌کنند و بالاخره باید صبر داشته باشیم و اگر به یک سری خواسته دست نیافتیم یک امر عادی برایمان تلقی خواهد شد».

«وجود نرخ بالایی از مددجویان مؤسسه‌های حمایتی در استان باعث فرهنگ صدقه‌پروری شده است که طرف به جای تلاش و پس‌انداز به دنبال مستمری آخر ماه از طرف نهادهای حمایتی است که فرهنگ تولید ضربه می‌زند».

«مثلاً در حوزه همین پرداخت‌های انتقالی که دولت انجام می‌دهد افراد اکتفا کردند به خصوص در همین روستاها یک نوع تنبلی رو به وجود آوردند».

با توجه به دغدغه اصلی مصاحبه‌شوندگان و حساسیت نظری شکل گرفته، مقوله محوری با عنوان جامعه بی‌آرمان شناسایی و نام‌گذاری شد و در ادامه مصاحبه‌ها پیرامون این موضوع انجام گرفت.

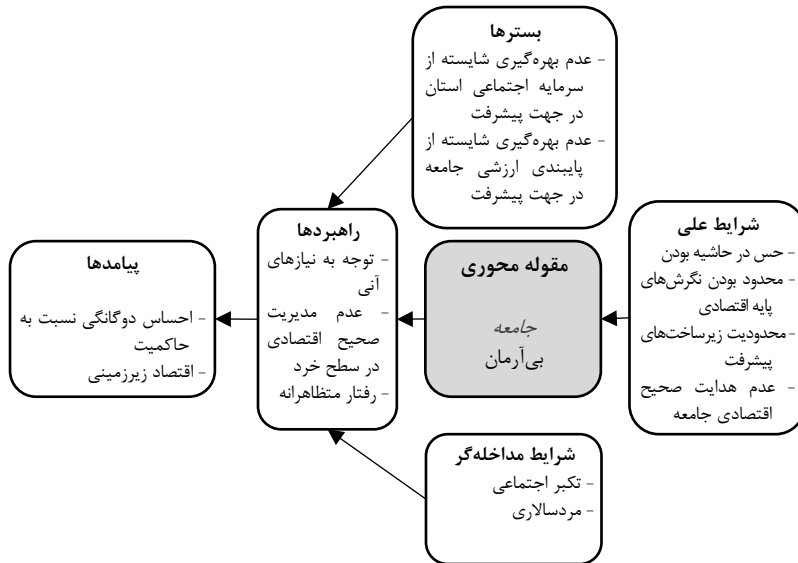
جامعه بی‌آرمان، اشاره به وضعیتی دارد که در آن نگاهی به تحول و تغییر وجود ندارد و جامعه، خود را محدود به شرایط موجود کرده و دچار بی‌انگیزگی مفرط برای بهبود شرایط است. در واقع در این وضعیت مردم از لحاظ اقتصادی به تأمین حداقل معیشت توجه دارند و سقف آرزوها در آنها پایین است و دچار ناامیدی و یأس شده‌اند، موضوعی که مصاحبه‌شوندگان بارها به آن اشاره کردند:

«برای یک استخدامی ۳۰۰ نفر می‌خواستند که گفتند ظرفیت جذب ۱۵۰ را داریم. وقتی با افرادی که مدارک جهت ثبت‌نام ارائه کرده بودند صحبت می‌کردند می‌گفتند ما حالا اسم‌نویسی کردیم ولی نورچشمی‌های خودشان را می‌برند سرکار، یعنی بخش اعظمی از جامعه که جوانان هستند ناامید از شرایط موجود شده‌اند».

«نگرش ناامیدی و همه‌چیز را پس زدن وجود دارد، ما وضعمان خوب نیست، نمی‌توانیم تغییر کنیم».

«آنچه در استان سیستان و بلوچستان دیده می‌شود این است که اقبال و توجه کسانی که صاحب سرمایه هستند برای تولید بسیار کم است یا بهتر است بگوییم هیچ است».

«بخش عمده‌ای از مردم استان از سطح زندگی پایینی برخوردارند و وقتی می‌پرسید چرا وضعیت این‌طور است می‌گویند: «روزگار همینه»؛ در حالی می‌شود با تحرک بیشتر به شرایط بهتر رسید».



شکل (۱): مقوله‌های دخیل در عدم پیشرفت استان سیستان و بلوچستان از منظر فرهنگ اقتصادی

۲-۳. شرایط علی

شرایط علی بیانگر مجموعه علل و عواملی است که منجر به وقوع مقوله محوری می‌شوند. از مقوله‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش، سه مقوله به‌عنوان عللی که باعث شکل‌گیری جامعه ناامید و بی‌آرمان می‌گردند شناسایی شدند که عبارت‌اند از:

۳-۲-۱. حس در حاشیه بودن

حس در حاشیه بودن، بیانگر این موضوع است که در جامعه سیستان و بلوچستان انفعال حاکم شده و مطالبه‌گری صورت نمی‌پذیرد بدین‌معنا که جامعه توجهی به

حقوق اجتماعي و شهروندی خود ندارد و آگاهی‌های اجتماعي پايين است:

«اگر می‌خواهید خدمتي برای استان سيستان و بلوچستان انجام دهید اين است که مردم را به حقوق خودشان آشنا کنید تا در زمينه‌های مختلف بدانند که حق و حقوقشان چه است؟»

«فقط و فقط آموزش، آموزش و آموزش از طريق سمن‌ها، آموزش در خصوص آگاهی‌بخشي به حقوق شهروندی جامعه وجود ندارد.»

همچنين وقتی صحبت از ادراك در حاشيه قرار گرفتن می‌شود در واقع به انفعال و انزواطلبی اشاره می‌شود که نشانگر آن است که جامعه از آرمان تهی است و صرفاً در انتظار بهبود شرایط توسط نیروی بیرونی نشسته است و محرک‌هایی برای فعاليت اقتصادی در آن دیده نمی‌شود:

«ممکن است فعالان کسب‌وکار در اصفهان خودشان حرکت کنند، اما فعالان کسب‌وکار استان من به دلايل متعدد نیاز به محرک‌هایی دارند از نظام بانکی، مال و پولی گرفته تا دیوان‌سالاری‌های حوزه صنعت، معدن، خدمات و... که متولیان دولتي باید وارد عمل شوند و حمايت‌های لازم را انجام دهند.»

«حتی در زمينه سوزن‌دوزی‌هایی که در استان انجام می‌گرفت به‌عنوان یک مؤلفه فرهنگي و سنتی که می‌تواند ظرفيت توليدي ايجاد کند و درآمدزا باشد... اين سوزن‌دوزی‌ها الان همه وارداتی هستند.»

۲-۲-۲. محدود بودن نگرش‌های پایه اقتصادی

در استان سيستان و بلوچستان فردگرایی و تمامیت‌خواهی که از موانع فرهنگي کار تیمی هستند به این امر منجر شده است که افراد به خود و منافع خود فکر کنند نه به وجود یک آرمان برای بهتر کردن شرایط موجود:

«در حوزه صنایع دستی اگر نگاه کنید از صد شرکت ثبت شده ۱۰ درصد آنها فعال هستند و اکثر شرکت‌ها به صورت خانوادگی (شخصی) ثبت شده‌اند که هیچ‌گونه مشارکتی با افراد دیگر با تخصص‌های مختلف در آنها صورت نگرفته است.»

«متأسفانه سرمایه‌گذاران ما دچار سرگردانی هستند، چراکه از مشاوران استفاده نمی‌کنند و همه چیز را برای خود می‌خواهد.»

همچنين از نظر فرهنگ توليد نیز، نگرش اقتصادی مناسبی نسبت به توليد در این استان حاکم نیست؛ به‌عنوان نمونه نگاه به توليد محصولات کشاورزی

و دامی صرفاً در حد گذران معیشت است:
 «در بحث فرهنگ تولید نقطه‌ضعفی که وجود دارد این است که تولید را در حد معیشت نگاه می‌کنند. کشاورزان و دامداران که مشکلات به‌خصوصی دارند... می‌گویند: با این فعالیت‌ها (کشاورزی و دامداری) روزی ما می‌رسد.»
 «تولید در استان عمدتاً کشاورزی و دامداری بوده است که می‌توان روش‌های کشت و دفع آفات و ازاین‌دست فعالیت‌ها تغییری نداشته و کماکان به‌صورت سنتی انجام می‌گیرد.»

۳-۲-۳. محدودیت زیرساخت‌های پیشرفت

محدودیت زیرساخت‌های پیشرفت، بیانگر محدودیت‌های محیط طبیعی و جبر محیطی در استان سیستان و بلوچستان با توجه به پراکندگی بالای این استان و فاصله از بازارهای مصرف از یک‌سو و نبود زیرساخت‌های لازم برای توزیع حداقل تولیدات این استان یعنی محصولات کشاورزی و دامی از سوی دیگر است که در واقع ادراک در حاشیه ماندن در استان سیستان و بلوچستان را تقویت کرده است:

«تولید ما هم با توجه به شرایط ما یعنی دوری از مرکز کشور و عدم دسترسی مناسب از طریق راه‌های استان یا حوزه حمل‌ونقل ریلی نمی‌تواند به بازارها عرضه شود.»

«راه‌ها و دسترسی‌های ارتباطی در بعضی از مناطق استان به‌صورت صعب‌العبور است و این باعث می‌شود عدم ارتباط به‌وجود بیاید.»
 «اگر مازاد تولید وجود داشته باشد با توجه به شرایط محیطی نمی‌توانیم توزیع راحتی داشته باشیم.»

«در طول زمان مردم یاد گرفته‌اند که با شرایط خاص طبیعت چه به لحاظ بعد مسافت، چه به لحاظ پراکندگی و چه بارش‌های کم، خود را وفق بدهند که این شرایط بنیه اقتصادی مردم را پایین آورده است.»
 «دوری از مرکز، پراکندگی خود استان و شرایط مرزی باعث شده تا فعالیت‌های اقتصادی به سمت تولید کشیده نشود.»

همچنین خروج سرمایه‌های مالی و انسانی یعنی مهاجرت نیروهای متخصص و سرمایه‌دار استان سیستان و بلوچستان و عدم استفاده مناسب از نظام بانکی کشور که در واقع می‌تواند تأمین‌کننده سرمایه طرح‌ها باشد به این دلیل که اهل سنت استان سود بانکی را اساساً حرام می‌دانند، باعث اختلال در پیشرفت استان شده است:

«گرفتن تسهیلات بانکی نوعی ضدارزش است پس نمی‌شود از تأمین سرمایه بانکی جهت فعالیت تولیدی استفاده کرد».

«در استان سیستان و بلوچستان اکثریت اهل سنت هستند و اهل سنت سود بانکی را حرام می‌دانند؛ بنابراین منابع بانکی استان نمی‌تواند به خوبی محرک کسب و کار باشد».

«ما نتوانستیم با نظام بانکی موجود به یک توافق برسیم و خودمان را وفق بدهیم تا زمانی که بخواهیم یک کار تولیدی راه بیندازیم از تسهیلات بانکی استفاده کنیم».

«صرفاً به بانک به عنوان یک صندوقی که از پول‌های ما محافظت می‌کند نگاه می‌کنیم».

«افرادی که سرمایه‌ای داشته‌اند معمولاً از استان خارج شده‌اند. شما مشاهده می‌کنید افرادی که سرمایه مالی یا زمینه تخصصی داشته‌اند مهاجرت کرده‌اند».

«در منطقه ما عمده فرار سرمایه به سمت شهرهایی است که وضعیت بهتری دارند».

۳-۲-۴. عدم هدایت صحیح اقتصادی جامعه

استفاده محدود از دیدگاه‌های دیگران، بدان معناست که افراد جامعه کمتر به دنبال پذیرش و یا استقبال از نظرهای دیگران هستند و به عبارتی دیگر، روحیه مشورت‌پذیری و استفاده از تجارب دیگران را ندارند. این عدم استقبال از نظرهای دیگران به نوبه خود حس در حاشیه بودن را تقویت می‌کند و به نوعی در جامعه خودرأیی حاکم می‌کند و از نظرهای ایده‌پردازان استقبالی صورت نمی‌گیرد:

«فشر تحصیل کرده معمولاً از شرایط مالی بدی برخوردار هستند و ایده‌ها و طرح‌های اقتصادی آنها معمولاً از طرف سرمایه‌داران مورد اقبال قرار نمی‌گیرد».

«جایی سخنرانی می‌کردم گفتم در استان ما چند شرکت مشاوره کسب و کار وجود دارد؟ وقتی (شرکت مشاوره) نباشد جوانان استان سرگردان می‌شوند، سرمایه‌گذاران سرگردان می‌شوند که کجا کار کنند و در چه حوزه‌هایی وارد فعالیت شوند».

۳-۳. راهبردها

راهبردها دربرگیرنده کنش‌ها، برهم‌کنش‌ها و احساساتی می‌شوند که از مقوله‌محوری حاصل می‌گردد، به‌بیانی شامل رفتارها، فعالیت‌ها، تعامل‌های هدف‌دار، واکنش‌ها و احساساتی هستند که در پاسخ به مقوله‌محوری اتخاذ می‌شوند. در استان سیستان و بلوچستان در نتیجه مقوله‌محوری دو راهبرد اتخاذ می‌شود:

۳-۳-۱. توجه به نیازهای آنی

اگر بنا باشد جامعه سیستان و بلوچستان آرمان داشته باشد بایستی نگاه به آینده و داشتن برنامه جامع و همچنین روحیه پس‌انداز کردن شکل بگیرد درحالی‌که در این استان توجه و تأکید بر نیازهای آنی است.

«شما در ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات محلی هم نگاه کوتاه‌مدت را می‌بینید؛ مثلاً می‌گویند: دنیا دو روز است.»

«گاهی مشاهده می‌شود افراد درآمد سطح متوسط یا بالاتر دارند ولی به همان نسبت مصرفشان هم بالاست. وقتی از آنها پرسیده می‌شود چرا پس‌انداز ندارید یا کسب و کار خود را توسعه نمی‌دهید؟ پاسخ این است: چرا خود را برای مال دنیا اذیت کنیم.»

«در خیلی از موارد گفته می‌شود مال دنیا ارزشی ندارد و بی‌هیچ قاعده و اصولی خرج می‌کنیم.»

۳-۳-۲. عدم مدیریت اقتصادی در سطح خرد

جامعه دارای هدف و آرمان، در امور سطح خرد خود نیز دارای مدیریت و سازوکار روشنی است، اما در جامعه سیستان و بلوچستان به دلیل عدم وجود این مؤلفه، افراد توجه محدودی به مدیریت اقتصادی روزانه خود دارند و در واقع گاهی ملاحظه می‌شود که بر رفتارهای جامعه عقلانیت اقتصادی حاکم نیست:

«پایین بودن سطح آگاهی عمومی و سطح مطالعه و دانش جامعه به همراه عرف و باورهایی که در جامعه شکل گرفته باعث شده که استفاده درست از منابع و پس‌انداز کردن به چالش کشیده شود.»

۳-۳-۳. رفتار متظاهرانه

رفتار متظاهرانه نشان‌دهنده آن است که افراد می‌خواهند بر اساس یک مجموعه ویژگی‌ها خود را به دیگران معرفی کنند در حالی که واقعیت زندگی آنها با آن ویژگی‌ها متفاوت است. در جامعه سیستان و بلوچستان با وجود کمبود منابع بالقوه، افراد درگیر تجمل‌گرایی و چشم‌وهم‌چشمی هستند و مهمان‌نوازی غیرمتمعارفی با توجه به بافت اجتماعی جامعه شکل گرفته است. رفتار متظاهرانه نشانگر آن است که افراد خود را درگیر مسائل حاشیه‌ای کرده‌اند که از واقعیت زندگی اقتصادی به دور است. زمانی این اتفاق می‌افتد که جامعه برای خود آرمانی نداشته باشد و دچار روزمرگی خود باشد.

«تأثیر فرهنگ در حوزه مصرف بیشتر است؛ مثلاً منابع مالی که باید ذخیره شود و به چرخه تولید و سرمایه‌گذاری برگردد صرف یک عروسی مجلل می‌شود آن هم برای افرادی که در سطح درآمدی متوسط قرار دارند».

۳-۴. بسترها

بستر شرایطی است که انتخاب و چگونگی اتخاذ راهبردها را جهت‌دهی می‌کند. بستر در این پژوهش شامل مقوله‌هایی است که به بافت محیطی جامعه مورد پژوهش ارتباط دارند و بر اساس یافته‌ها عبارت‌اند از:

۳-۴-۱. عدم بهره‌گیری شایسته از سرمایه اجتماعی استان در جهت

پیشرفت

سرمایه اجتماعی استان سیستان و بلوچستان در صورت بهره‌گیری و ارتقا می‌تواند اثری مثبت بر وضعیت استان و کاهش مسائل آن بگذارد و بالعکس در صورت تنزل و عدم استفاده از آن می‌تواند باعث تشدید مسائل گردد. در واقع مشارکت‌های اجتماعی و هم‌یاری با یکدیگر و همچنین اعتماد متقابلی که بین مردم استان وجود دارد می‌تواند به‌مثابه یک سرمایه تلقی شده و از آن بهره گرفته شود، در حالی که اکنون این سرمایه اجتماعی نتوانسته به نحوی هدایت شود که منجر به پیشرفت استان گردد:

«حشر و مدد (تعبیر محلی برای اصطلاح هم‌یاری) آن چیز است که در گذشته استان وجود داشته و در فرهنگ استان از شمال تا جنوب در کشاورزی یا دامداری و خیلی از کارها مثلاً سختی‌ها یا بیماری‌ها این هم‌یاری

وجود دارد».

«ساختار طایفه‌ای خویشاوندی کمک می‌کند بسیاری از نیازهای یک طایفه تأمین بشود. خیلی وقت‌ها ممکن است شما ببینید یک فرد می‌خواهد مراسم ازدواجی برپا کند یا مشکل مالی دارد، کمک‌هایی در این راستا صورت می‌گیرد.»
«در سطح خرد به یک نفر می‌گویند یک آبسرد کن برای مدرسه تهیه کن، این کار را انجام نمی‌دهد و می‌گوید وظیفه دولت است. در صورتی که برای مسجد و حوزه علمیه هزینه می‌کند تا برای آخرت خود توشه‌ای داشته باشد...».

«افراد خیلی راحت به همدیگر اعتماد می‌کنند چون ارتباطات در شهرهای کوچک بیشتر به شناخت از همدیگر چه به لحاظ خانوادگی و چه به لحاظ طایفه‌ای و قومی بستگی دارد».

همچنین در استان سیستان و بلوچستان سنت بزرگان جامعه به صورت قوانین و هنجارهای نانوشته‌ای درآمده که افراد به آنها پایبند هستند:

«وقتی در مورد جمع‌گرایی صحبت می‌کنیم یعنی گذشتن از خواسته فردی خود به خاطر خواسته‌های جمعی؛ مثلاً پیروی از تصمیمی که توسط رئیس قبیله یا عشیره گرفته می‌شود».

سرمایه اجتماعی و اخلاقی می‌تواند به جهت مشارکت و همچنین شناخت از یکدیگر در واقع راهبردهایی چون رفتار متظاهرانه و حس در حاشیه بودن را تعدیل کرده و شرایطی به وجود بیاورد که این دو مقوله بهبود پیدا کنند.

۳-۴-۲. عدم بهره‌گیری شایسته از پایبندی ارزشی جامعه در جهت

پیشرفت

در استان سیستان و بلوچستان پایبندی به ارزش‌های موجود، چه ارزش‌های دینی و چه ارزش‌های بومی بالاست به طوری که گروه‌های مرجع دینی و قومی نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی ایفا می‌کنند و تبعیت و پیروی از آنها به شدت بالا است. اگر این نفوذ در حوزه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی جهت‌دهی شود، می‌تواند بر دو راهبرد موجود تأثیر مثبت بگذارد که متأسفانه در وضعیت موجود از این بستر به خوبی استفاده نمی‌شود:

«تعالیم و هنجارهای دینی موجود در استان به عنوان یک عامل تعدیل‌کننده توزیع ثروت عمل می‌کند چرا که مردم به شدت به پرداخت زکات و صدقات

اهمیت می‌دهند».

«ظرفیتی وجود دارد که مردم مقیدند به مالیات‌های اسلامی؛ بنابراین از این ظرفیت می‌توانیم به‌خوبی استفاده کنیم و آن را می‌شود فرهنگ‌سازی کرد».

«سیستم اجتماعی ما خیلی تحت تأثیر صحبت بزرگان طایفه‌ای و بزرگان مذهبی و قومی است».

«وجود گروه‌های مرجع و تبعیت جامعه می‌تواند نقطه قوتی باشد برای تولید درواقع فعالان اقتصادی در این زمینه نمی‌توانند مستقیم وارد عمل بشوند و انگاره‌های ذهنی مردم را تغییر بدهند بلکه باید با گروه‌های مرجع نشست داشته باشند و آنها را توجیه کنند تا آنها جامعه را ترغیب کنند».

«شرایط خاص مذهبی در استان وجود دارد که از مؤلفه‌های مذهبی می‌توانیم به‌عنوان ظرفیت استفاده کنیم و اگر بتوانیم بازارهای مالی اسلامی داشته باشیم، سرمایه‌های کلانی را می‌شود جذب کرد».

۳-۵. شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر به شرایطی اطلاق می‌شود که به راهبردها جهت می‌دهند ولی مانند بستر تعیین‌کننده نیستند و شدت جهت‌دهی آن‌ها کمتر از بستر است. شرایط مداخله‌گر به‌دست آمده در این پژوهش عبارت‌اند از:

۳-۵-۱. تکبر اجتماعی

تکبر اجتماعی باعث می‌شود شهروندان، خود و اصل و نژاد خود را نسبت به دیگران برتر دانسته و انجام برخی کارها را دوشان خود تلقی کنند که این پدیده بر شدت ادراک حاشیه‌ای بودن و رفتارهای متظاهرانه می‌افزاید، چراکه در سمت دیگر تکبر گروه‌هایی وجود دارند که کمتر پنداشته شده و به حاشیه رانده می‌شوند و از طرفی گاهی این خودبرترپنداری به تشدید رفتار متظاهرانه، کمک می‌کند:

«کم‌ارزش دانستن برخی کارها که برمی‌گردد به همان فرهنگ سلسله‌مراتبی و سیستم کاستی^۱ ... آقا من این کار را انجام بدهم؟ کار من نیست».

«سلسله‌مراتب اجتماعی سخت و غیرانعطاف‌پذیر و عدم شایسته‌سالاری؛ به این معنا که شما شاهد یک فضای شبه‌کاستی در بلوچستان هستید به معنا ذات‌گرایی (برتری ذاتی داشتن)».

1. Caste

۳-۵-۲. مردسالاری

مردسالاری مفهومی است که در آن مردها قدرت فراوانی نسبت به زن‌ها دارند. در فرهنگ این استان مردان نقش بسیار پررنگ‌تری در تمام عرصه‌های اجتماعی دارند و زنان در این زمینه با محدودیت‌های فراوانی روبه‌رو هستند و فرصت حضور معنادار در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی را ندارند:

«بخش عمده‌ای از جامعه زنان در استان، تحصیلات پایینی دارند که دلیل آن فرهنگ مردسالارانه و اعتقادهای ارزشی‌ای است که حضور بانوان را در اجتماعات محدود کرده است».

«در جامعه بلوچستان شاید به‌خاطر بافت قبیله‌ای و نقش پررنگ ارزش‌های مذهبی، بخش عمده‌ای از جامعه که زنان هستند در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی مشارکت ندارد».

۳-۶. پیامدها

پیامدها مقوله‌هایی هستند که به‌عنوان نتایج و خروجی‌های حاصل از اتخاذ راهبردها به‌وجود می‌آیند که در این پژوهش عبارت‌اند از:

۳-۶-۱. احساس دوگانگی نسبت به حاکمیت

احساس دوگانگی نسبت به حاکمیت به‌معنای عدم اعتماد کافی به حاکمیت است که می‌توان نمود آن را در عدم اعتقاد به پرداخت مالیات و مسئولیت‌های اجتماعی دانست. وقتی این احساس دوگانگی نسبت به حاکمیت با ادراک حاشیه‌ای بودن همراه شود افراد تعامل کافی با حاکمیت نخواهند داشت:

«آن چیزی در بین مردم چند دهه قبل تبلیغ می‌شد قانون‌گریزی بود به‌طوری‌که بعد از انقلاب هم آن تفکر هنوز به‌جامانده و جامعه به‌خوبی نمی‌تواند با نهادهای دولتی رابطه خوبی برقرار کند».

«در حوزه مالیات و بازتوزیع ثروت، ساختار سیستم متمرکز فرهنگ فرار مالیاتی را افزایش داده است و با توجه به‌وجود سیستم متمرکز خزانه برای دریافت مالیات، نمی‌توان انتظار داشت مالیاتی که در استان دریافت می‌شود در استان هزینه شود».

۳-۶-۲. اقتصاد زیرزمینی

اقتصاد زیرزمینی به تمام فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که بنا به دلایلی در حساب‌های ملی ثبت نمی‌شوند. البته تنوع فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی در استان سیستان و بلوچستان تحت سه عنوان تقسیم‌بندی می‌شوند: قاچاق سوخت، قاچاق انسان و فعالیت‌های تجاری که ثبت گمرکی ندارند. در شرایط مختلف گاهی این فعالیت‌ها در حد امرار معاش است و گاهی جذابیت بسیار بیشتری پیدا می‌کند ولی آنچه اهمیت دارد این است که بی‌هدفی و نداشتن اهداف اقتصادی و همچنین ادراک حاشیه‌ای بودن، در گسترش این فعالیت‌ها نقش مهمی دارند:

«فعالیت‌های استان کشاورزی، بازرگانی و تجارت است که با توجه به موقعیت جغرافیایی عمدتاً تجارت غیررسمی رشد پیدا کرده است».

«... قاچاق سوخت فقط در حد همان تأمین معاش و از روی ناچاری انجام می‌گیرد».

«درآمد غیرمعارف در یک فعالیت قاچاق چند برابر درآمد فردیست که دارای یک حقوق ثابت است».

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش تلاش نمود با استفاده از روش پژوهش کیفی نظریه داده‌بنیاد به واکاوی پدیده عدم پیشرفت استان سیستان و بلوچستان بپردازد. بر اساس این پژوهش مقوله‌ای را که می‌توان آن را مقوله‌محوری این پدیده نامید، بی‌آرامی این جامعه است که این امر از علل مختلف احساس در حاشیه قرار گرفتن؛ محدود بودن نگرش‌های پایه اقتصادی همچون فرهنگ کار تیمی، فرهنگ تولید و...؛ محدودیت زیرساخت‌های لازم برای پیشرفت و درنهایت عدم جهت‌دهی درست جامعه این استان در راستای فعالیت اقتصادی مولد نشئت گرفته است. بدین ترتیب در چنین جامعه‌ای نگاه کوتاه‌مدت حاکم شده و اغلب به نیازهای فوری توجه می‌شود. به‌علاوه اعضای جامعه در سطح خرد مدیریت صحیح اقتصادی‌ای بر امور خود نداشته و رفتار متظاهرانه‌ای نیز از خود نشان می‌دهند که این کنش‌ها و برهم‌کنش‌های نشئت گرفته از بی‌آرامی جامعه سیستان و بلوچستان به جهت عدم بهره‌گیری شایسته از سرمایه اجتماعی استان در جهت پیشرفت؛ عدم بهره‌گیری شایسته از پابندی ارزشی جامعه در جهت پیشرفت؛ تکبر اجتماعی و مردسالاری تشدید شده و منجر به

پیامدهایی شامل احساس دوگانگی نسبت به حاکمیت و اقتصاد زیرزمینی در این استان شده است.

بر اساس آنچه گفته شد، لازم است نهادهای فرهنگی و اقتصادی ابتدائاً روح امید، هدفمندی و توفیق‌طلبی را در این استان نهادینه نموده و با بهره‌گیری از سرمایه‌های ارزشمند مادی و معنوی این استان و هدایت صحیح اقتصادی جامعه، در کنار ارتقاء فرهنگ تولید و فعالیت مولد و رفع کژکارکردها و آسیب‌های موجود در فرهنگ اقتصادی استان نسبت به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن قدم‌های جدی بردارند. همچنین توجه جدی و هم‌دلانه دولت به پیشرفت استان سیستان و بلوچستان می‌تواند حس در حاشیه بودن را در مردم این استان اصلاح نموده و اعتماد نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران را در این استان تقویت نماید که این مهم، خود می‌تواند منجر به مشارکت مسئولانه و تولید اقتصادی مولد در راستای منافع ملی و منافع استانی توسط فعالان اقتصادی این استان شود.

فهرست منابع

ابوترابی زارچی، فاطمه (۱۳۹۷). تبیین فرهنگ اقتصادی مردم ایران و عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مرتبط با آن. (رساله منتشر نشده دکتری). دانشگاه یاسوج. دانشکده علوم انسانی، یاسوج، ایران.

افشار، اسدالله (۱۳۹۰). رشد، پیشرفت، توسعه اقتصادی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر. تهران: سفیر اردهال.

ایزانلو، امید (۱۴۰۰). الگوی فرهنگ اقتصادی مطلوب در اقتصاد مقاومتی (با مطالعه موردی برنامه ششم توسعه). (رساله منتشر نشده دکتری). مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه). گروه اقتصاد، تهران، ایران.

بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۷). نقش تفسیر تنزیلی در پیشرفت. قبسات، ۲۳(۹۰)، ۵-۳۱.

جعفرپور، محمود و افجه‌ای، سیدعلی‌اکبر (۱۳۹۱). مفهوم‌شناسی توسعه و پیشرفت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نخستین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. ۷۲۸-۷۵۲. تهران: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

حیدری، ایوب (۱۳۷۹). ضعف فرهنگ اقتصادی و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌نیافته (با تأکید بر ایران). (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی

- ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
- خیری دوست لنگرودی، زهرا (۱۳۹۸). *ارتباط فرهنگ، سیاست‌های اقتصادی و توسعه اقتصادی در ایران ۱۳۶۸-۱۳۹۶* (با تأکید بر آموزه‌های اسلامی و مکتب نهادی جدید). (رساله منتشر نشده دکتری). دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده اقتصاد، تهران، ایران.
- دانشی، سمیه (۱۳۸۹). *بررسی الزامات فرهنگی توسعه اقتصادی در ایران از دیدگاه صاحب‌نظران*. (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، مشهد، ایران.
- درگاه ملی آمار ایران: www.amar.org.ir
- رجائی، ویدا (۱۴۰۰). *تأثیر فرهنگ و رفتارهای اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی و ایجاد تفکر توسعه*. (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه پیام نور استان البرز. مرکز پیام نور کرج، کرج، ایران.
- رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۸۷). *سهم فرهنگ در اقتصاد ملی*. طرح پژوهشی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
- صانعی، مهدیه و پروین، خیرالله (۱۳۹۹). *تحلیل حقوقی مداخله یا عدم مداخله دولت در نظام توسعه در حقوق اقتصاد عمومی*. *مطالعات حقوق عمومی*، ۵۰(۱)، ۲۳۹-۲۵۴.
- غیائی، هادی؛ برزویی، محمدرضا و رجبی، سجاد (۱۳۹۷). *تحلیل بازنمایی فرهنگ اقتصادی در سینمای ایران؛ مورد مطالعه: پر فروش‌ترین فیلم‌های سال‌های ۸۶ تا ۹۶*. *مطالعات رسانه‌ای*، ۱۳(۱)، ۸۷-۱۱۶.
- قربانی زیکساری، هومن (۱۳۹۷). *فرهنگ فقر و وضعیت اقتصادی و اجتماعی اهالی دهستان طاهر گوراب*. (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). پارسای داخل کشور کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. دانشکده علوم اجتماعی، تهران، ایران.
- قمری، احسان (۱۳۷۹). *تأثیرات تحولات فرهنگی بر توسعه اقتصادی: مورد ایران*. (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، تهران، ایران.
- قمری، احسان (۱۳۷۹). *تحولات فرهنگی بر توسعه اقتصادی: مورد ایران*. (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، تهران، ایران.
- کریمی مهرآبادی، صالح (۱۳۹۵). *الگوی مطلوب فرهنگ اقتصادی در قرآن کریم*.

(پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ ارتباطات، تهران، ایران.

معاونت امور اقتصادی و برنامه ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۹).
 نیم‌نگاهی به شاخص‌های توسعه استان سیستان و بلوچستان. دسترسی در:
<https://www.mcls.gov.ir/fa/article/1536>

مه‌دیان، حسین (۱۴۰۰). فرهنگ آفرینی قرآن در مقابله با فقر اقتصادی. (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی مراغه، مراغه، ایران.

نظربور، محمدتقی (۱۳۸۹). گستره اثرگذاری فرهنگ اسلامی بر توسعه اقتصادی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۰ (۳۸)، ۱۷۵-۲۰۱.

یاوری، غلامرضا و عزیزی، وحید (۱۳۹۹). تحلیل موانع و چالش‌های عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بخش کشاورزی. *پژوهش‌های ترویج آموزش کشاورزی*، (۲)، ۲۷-۳۶.

یوسفزاده، حسن (۱۳۹۸). حیات معقول به‌منابه پیشرفت. *مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، (۱۴)، ۲۷۷-۲۵۱.

- Alkire, S. (2010). *Human Development: Definitions, Critiques, and Related Concepts*. Human Development Reports. Research Paper. United Nations Development Programme.
- Barreto, M.S.; Garcia-Vivar, C. & Marcon, S.S. (2018). Methodological quality of Grounded Theory research with families living with chronic illness. *International Journal of Africa Nursing Sciences*. (8), 14-22.
- Chu, Angus C.; Kou, Zonglai & Wang, Xilin. (2021). *Culture and Stages of Economic Development*. MPRA Paper No. 106900. Online at <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/106900/>
- Copelas, P.J. (2010). *The Relationship between Religious Diversity and Personal Income: A Study of State-Level Economic Outcomes in the United States* (Unpublished doctoral dissertation). Massachusetts: Williams College.
- Creswell, J.W. & Poth, C.N. (2018). *Qualitative Inquiry & Research Design- Choosing Among Five Approaches*. California: SAGE.
- Davies, T.; Lund, C. & Schneider, M. (2022). Implementation of a task-shared psychosocial intervention for perinatal depression in South Africa: A grounded theory process evaluation. *SSM - Mental Health*, (2), 100056.
- Fellner, A. (2008). *Role of culture in economic development: Case study of China and Latin America*. (Unpublished doctoral dissertation). University of South Florida, Tampa.
- Guzal-Dec, D. & Zbucki, Ł. (2021). Economic culture of Local Action

- Group (LAG) communities from peripheral regions. Evidence from Poland. *Economics and Sociology*, 14(3), 72-88.
- Holloway, I. & Wheeler, S. (2010). *Qualitative Research in Nursing and Healthcare*. 3rd Ed. Malaysia: Wiley-Blackwell.
- Johnson, W.H. & Filippini, R. (2013). Integration capabilities as mediator of product development practices–performance. *Journal of Engineering and Technology Management*, 30(1), 95-111.
- Kostis, Pantelis C. (2021). Culture, innovation, and economic development. *Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 10(22), 1-16.
- Kuada, John (2020). Culture and economic development in Africa-opportunities and challenges. African Governance and Development Institute. WP/20/062.
- Lapan, S.D.; Quartaroli, M.T. & Riemer, F.J. (2011). *Qualitative research: An introduction to methods and designs*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Lemon, L.L. & Hayes, J. (2020). Enhancing Trustworthiness of Qualitative Findings: Using Leximancer for Qualitative Data Analysis Triangulation. *The Qualitative Report*, 25(3), 604-614.
- Lepak, P., & Larysa, K. (2021). Economic Culture of Ukraine in The Context of European Integration. *Eureka: Social and Humanities*, 1(1), 37-46.
- Ojo, A.; Janowski, T. & Awotwi, J. (2013). *Enabling development through governance and mobile technology*. *Government Information Quarterly*, (30), 32-45.
- Olczyk, G. (2019). Elements of economic culture as informal institutions in the economic development of Germany. *Economics and Law*, 18(2): 233–244.
- Rist, G. (2014). *The history of development: From western origins to global faith*. London and New York: Zed Books.
- Saunders, M.; Lewis, Ph. & Thornhill, A. (2019). *Research methods for business students*. New Jersey: Prentice Hall.
- Schein, E.H. (2017). *Organizational culture and leadership*. 5th Edition. San Francisco: Jossey-Bass.
- Slim, H. (1995). What Is Development? *Development in Practice*, 5(2), pp. 143-148.
- Stamp, A.S.; Pedersen L.L.; Ingwersen K.G. & Sørensen, D. (2018). Behavioural typologies of experienced benefit of psychomotor therapy in patients with chronic shoulder pain: A grounded theory approach. *Complementary Therapies in Clinical Practice*, (31), 229-235.
- Tylor, E. B. (2010). *Primitive Culture*. New York: Cambridge University Press.
- UNDP (1990). Defining and measuring human development. available online at: http://hdr.undp.org/en/media/hdr_1990_en_chap1.pdf.
- Van Rijnsoever, F.J. (2017). (I Can't Get No) Saturation: A simulation and guidelines for sample sizes in qualitative research. *PLoS ONE*, 12(7): e0181689. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0181689>